

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران- توفان

۲۱ جنوری ۲۰۱۲

شبکه های اجتماعی، عرصه مهمی در نبرد طبقاتی (۳)

سازماندهی جعلیات

کسانی که با دقت شبکه های اجتماعی را در میان ایرانیان تعقیب کنند به کشفیات جالبی روبرو می شوند. در شبکه های اجتماعی سازمانهای سیاسی ایرانی کم و بیش فعالند. در کنار این سازمانها شما با سازمانهای جاسوسی و امنیتی نیز روبرو هستید که به زبان فارسی می نویسند. کادرهای آنها احتمالاً در واشنگتن، تل آویو، لندن و برلین نشسته اند. آنها به عنوان ایرانی با نام مستعار و تصاویر جعلی فعالند و سیاست معینی را که در اختیار آنها گذارده اند، به یک باره با یک هجوم و سازمانیافته به درون فیس بوک می آورند تا افکار عمومی بسازند. در کنار این دو دسته طبیعتاً طیف گسترده ای از ایرانیان وجود دارد، که به علت علایق دیگری، به داخل فیس بوک آمده اند. فعالترین جریانهای سیاسی ایران در فیس بوک که به صورت سازمانیافته و گروهی و با مسوول گروه که کنترل اعضا را داشته و به موقع سر بزنگاه خود را می رساند، سازمان مجاهدین خلق ایران است. سیاست این سازمان در زیر پوشش مبارزه با جمهوری اسلامی هماهنگی کامل با سیاست امپریالیستها و صهیونیستها دارد و تنها نظریات آنها را در فیس بوک تأیید و پخش می کنند. رهبری سازمان مجاهدین خلق، دارای مثنی مرید است که با نامهای گوناگون و جعلی در فیس بوک فعالند و سه هفته کار می کنند. شناخت آنها بسیار راحت است، زیرا هم به صورت روشن و هم به طور ضمنی از سازمان مجاهدین خلق و سیاستهای آنها حمایت کرده و هم از مبارزه به ضد اسرائیل و امریکا پرهیز می کنند. آنها ضمنی هوادار تحریم اقتصادی ایران و تجاوز به خاک ایران هستند، ولی از روی بزذلی که در میان مردم افشاء شوند، در این عرصه دوپهلوگوئی و فرار از موضع گیری را سیاست خود قرار داده اند. این سازمان نقش بسیار ارتجاعی در فیس بوک ایفاء می کند و حاضر است برای نابودی آخوندها، ایران از بین برود. آنها کارزاری برای حمایت از اسرای بازداشتگاه اشرف راه انداخته اند که هدفشان نجات جان این اسراء نیست، بلکه تبلیغات گسترده ای علیه رژیم جمهوری اسلامی و رژیم عراق در عین دفاع از امپریالیستها و صهیونیستها به طور ضمنی است. اگر کسی جان انسانها برایش ارزش داشته باشد باید در درجه نخست سعی کند که آنها را از تیر رس دشمن دور کند و به محیط امن بیاورد و نه این که کارزار تبلیغاتی راه بیندازد تا این اسراء در

عراق تحت حاکمیت مجاهدین خلق بمانند و دولت قانونی عراق حق نداشته باشد به اعمال قانونی حق حاکمیت خویش بپردازد.

برای آنها جسد مجاهدین بیشتر فایده دارد تا زنده آنها. شما این نوع تبلیغات را در فیس بوکهای مریدان مجاهدین به روشنی می بینید. سخن بر سر حمایت از حقوق انسانی و محکومیت رفتار وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی و یا دولت عراق نیست، سخن بر سر اعمال حق حاکمیت مجاهدین با جنجال تبلیغاتی در عراق است که این سیاست طبیعتاً و نتیجتاً به برخورد و کشتار منجر می شود و نیاز به دارا بودن هوش خارق العاده نیست. شما این سیاست را در فیس بوک به راحتی تعقیب می کنید. سازمان مجاهدین از جمله سازمانهایی است که علی رغم این که برای فریبکاری به گذشته افتخار آمیز این سازمان و رهبران شهید و به خون خفته ضد امپریالیست و ضد صهیونیست این سازمان اشاره می کند ، ولی کلمه ای در مورد امپریالیسم و افشاء سیاستهای آنها در افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه، لبنان و فلسطین نمی گوید. آنها همان سیاست صهیونیستها و امپریالیستها را در منطقه و جهان تبلیغ می کنند. تمام آماج حمله آنها رژیم جمهوری اسلامی است تا با تکیه بر جنایات این رژیم، همه جنایاتی را که در جهان اتفاق می افتد تیرئه کنند و از کنارش بگذرند. آنها تنها علیه مصالح ملی ایران از جمله حق مسلم ایران در غنی سازی اورانیوم تبلیغ می کنند. سازمان مجاهدین به عنوان دست دراز شده امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه عمل می کنند و سیاست آنها در فیس بوک نیز بازتاب همین سیاست است.

بخش فعال دیگر حزب کمونیست کارگری است که این حزب مانند مجاهدین از مبارزه به ضد امپریالیسم و صهیونیسم طفره می رود ولی در عوض خودش را پشت اسلام ستیزی برای کمک به اسرائیل پنهان می کند. این حزب ارتجاعی به عنوان دست دراز شده اسرائیل هدفش فقط مبارزه با مردم فلسطین و لبنان و تأیید استعمار و تجاوز و اشغال است. آنها نیز از تحریم اقتصادی ایران و گرسنگی دادن به مردم ایران و تجاوز به ایران حمایت می کنند و مدافع سیاست جرج بوش در فیس بوک هستند. در کنار این سیاست آنها با علم کردن کارزارهای مصنوعی مبلغ مفاهیم بورژوا لیبرالی بوده و مفاهیم اجتماعی را از مضمون طبقاتی آن جدا می سازند و این نظریات ارتجاعی را در فیس بوک توسط عمال خود تبلیغ می کنند. آنها چهره مدرن و هوادار آزادی جنسی به خود می گیرند و مبارزه آنها با دین تنها جنبه توهین آمیز و نفرت انگیز دارد و نشان می دهد که اعضاء و مریدان بی خبر این دارو دسته اسرائیلی چقدر از روحيات و مردم و فرهنگ ایران بی خبرند.

مشتی سلطنت طلب سازمانیافته نیز، با استدلالات عقب مانده و بت پرستانه در فیس بوک فعالند که می خواهند مجدداً رژیم سلطنتی را در ایران بر روی کار بیاورند و برای پوشاندن چهره مزدور و کریه شان گاه و گداری از مصدق نیز تجلیل می کنند. آریا پرستی و نژاد پرستی و تبلیغ شونیسیم آریائی از مختصات این بیچارگان است.

قطب مقابل آنها ناسیونال شونیستها ملیتهای اقلیت است که هوادار تجزیه ایران هستند و نفرت ملی را تبلیغ می کنند. این عده دوستان امریکا، اسرائیل و جمهوری آذربایجان هستند و تبلیغاتشان ضد ایرانی و خائنانه است.

در کنار این عده سبزه ها و جمهوریخواهان و اکثریتیها هستند که در پی ایجاد جبهه متحد با میر حسین موسوی و کروی و شرکت در انتخابات آتی هستند. این که تلاش آنها به کجا بکشد هنوز روشن نیست، ولی سیاست آنها تبلیغ سیاستهای اصلاح طلبانه است و در مورد صهیونیسم و امپریالیسم سکوت محض می کنند چون خود می دانند در غیر این صورت نمی توانند از رادیو بی بی سی، رادیو زمانه، صدای امریکا و رادیو فردا و ... استفاده کنند.

البته خود اصلاح طلبان نیز در فیس بوک فعالند ولی به دور خودشان به علت بی دورنمائی چرخ می خورند و نمی توانند به کسی خط مشی روشنی را پیشنهاد کنند. آنها نیز از برخورد به صهیونیسم و امپریالیسم خودداری می کنند.

البته جبهه بزرگ ضد انقلاب را باید به جبهه اپوزیسیون خود فروخته همدست اسرائیل و امریکا، اپوزیسیون مصالحه جو، اپوزیسیون لیبرال و دوست امریکا از یک سو نیروهای نقابدار رژیم جمهوری اسلامی در فیس بوک تقسیم کرد.

در کنار این سازماندهی ها متأسفانه نیروهای صمیمی براندازی و ضد امپریالیست و ضد صهیونیست قرار دارند. درجه فعالیت آنها نسبت به جبهه انقلاب در فیس بوک ضعیف است و متأسفانه جز پراکنده گوئی کاری از پیش نمی برند. آنها ابتکار عمل را برای تبلیغ یک سیاست راهبردی دارا نیستند، فقط کارشان واکنش نسبت به سیاستهای دیگران است. حتی با درگیری بازده کار خویش را به حداقل می رسانند.

فیس بوک و اسرائیل

نشریه نیمروز به تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۸۹ از جاسوسی مقامات امنیتی اسرائیل در زندگی خصوصی مردم اسرائیل خبر می دهد.

"ارتش اسرائیل برای کسب اطلاعات در مورد پیشینه مذهبی زنانی که برای معافیت از خدمت سربازی عذر دینی می آورند از فیس بوک استفاده می کند تا در مورد زندگی و عادات آنها اطلاعات بیشتر به دست آورد. به گزارش شبکه خبری بی بی سی پس از آن که حدود هزار نفر از شهروندان زن اسرائیل مدعی شدند که پیرو یهودیت ارتدوکس هستند ارتش اسرائیل از طریق فیس بوک و به دست آوردن اطلاعات مربوطه به نحوه زندگی آنها، کشف کرده که این افراد دروغ گفته اند.

...

ولی اکنون ارتش اسرائیل با کسب اطلاعات از طریق فیس بوک می تواند این ادعاها را بررسی کرده و صحت یا سقم آن را تشخیص دهد. یک افسر ارشد ارتش اسرائیل گفت که آنها با بررسی صفحه اشتراک برخی از این زنان متوجه شده اند که آنها به شیوه ای غیر پوشیده لباس می پوشند و یا در رستورانهایی که مخصوص یهودیان ارتدکس نیست، غذا می خورند. به گزارش شبکه خبری بی بی سی برخی دیگر از این زنان به خاطر شرکت در مجالس میهمانی در غروب و شب جمعه که قاعدتا مخالف سنتهای یهودیان ارتدوکس است و انعکاس این مهمانی ها در صفحه فیس بوک خود مورد شناسایی قرار گرفتند.

آمار اینطور نشان می دهد که حدود ۳۵ درصد از زنان جوان در اسرائیل به بهانه اعتقاد به یهودیت ارتدکس به خدمت سربازی نمی روند ولی ارتش این کشور حدس می زند که هزاران نفر از آنها در عالم واقعیت افراد سکولار و در نتیجه مشمول خدمت سربازی هستند."

فیس بوک برای قدرتهای حاکمه وسیله ای شده است تا شهروندان خویش را کنترل و هدایت کنند. این کنترل در تمام کشورها به صورت مستقیم و مکانیکی و یا از طریق نرم افزارها و یا از طریق ایجاد افکار عمومی و جهت دهی فکری، صورت می گیرد. هیچ کشوری در این زمینه مستثنی نیست. فیس بوک ابزاری در خدمت طبقات حاکمه است.

عمل رژیم جمهوری اسلامی در شبکه های اجتماعی

رژیم جمهوری اسلامی در این مبارزه ابتکار عمل را از دست داده است. آنها که تصورشان بر این بوده و هنوز نیز هست که همه چیز را می توانند با نیش چاقو و اعدام و شکنجه حل کنند، پستهای الکترونیکی فعالان حقوق بشر را

کنترل کنند، رایانه های آنها را بدزدند، از تماسهای ماهواره ای جلو گیرند و با صدها قانون ممنوعیت عرفی و شرعی به میدان آیند، طبیعتاً از اتخاذ یک سیاست راهبردی و فریبی که از این طریق می خوردند، عاجز بوده اند. این مبارزه طبقاتی یک مبارزه مدرن است و باید از سد افکار عقب مانده قرون وسطائی گذشت و آنها را شکست و به دور افکند. رژیم جمهوری اسلامی هنوز قادر نشده است یک سیاست راهبردی در این عرصه تنظیم کند.

روزنامه "روزگار" از نخستین گردهمائی فعالان حزب الله سایبری با حضور نیروهای بسیج و حزب الله خبر می دهد. دویچه وله در گزارش خودش می آورد: "بنیانگذاران حزب الله سایبری خود را باورمندان به ولایت فقیه می دانند که میزان کم موفقیت انفرادی شان در "جنگ نرم" در فضای سایبری علیه مخالفان و علیه "تهاجم فرهنگی"، آنها را به سازمانیابی و ارتباطات بیشتر سوق داده است. در گردهمائی یاد شده، از جمله دو شبکه اجتماعی گوگل پلاس و فیس بوک مورد بررسی قرار گرفتند. روح الله مؤمن نسب، مدیر واحد اینترنت مرکز رسانه های دیجیتال وزارت ارشاد در مورد بحث پیرامون گوگل پلاس گفت که این شبکه اجتماعی با دو نماد "پلاس" و "حلقه" فعالیت خود را آغاز کرده و به دنبال نوعی دین ستیزی است. او گفت "گوگل پلاس جدیدترین فناوری جاسوسی در شبکه اینترنت است." مؤمن نسب گفت علامت "پلاس" را می توان در کلاه پاپ و پرچم نازی ها مشاهده کرد. این گردهمائی ها تا زمانی که با سیاست روشن و دورنمای سیاسی همراه نباشد محکوم به شکست است.

مأمورین جمهوری اسلامی در فیس بوک در درجه اول در پی شناسائی افرادند تا آنها را با شناسائی دستگیر کنند. مثنی از متشرعین مذهبی آنها، پرچم تبلیغات مذهبی را در فیس بوک بلند کرده اند و داستانهای جنائی پولیسی صحرائ کربلا را نشخوار می کنند، که طبیعتاً برد آنچنانی ندارد. آنها همگی در موضع دفاعی قرار دارند و شما کسی را پیدا نمی کنید که بتواند با منطق و استدلال از عملکرد رژیم جمهوری اسلامی دفاع کند. اتهام جاسوسی و همدستی با دشمنان مردم ایران گرچه به بخشی از جریانهای اپوزیسیون که با امریکا و اسرائیل کار می کنند، نظیر مجاهدین خلق و حزب کمونیست کارگری و جریانهای ناسیونال شونیست کرد و آذری و یا دارو دسته سلطنت طلبان، می چسبد، ولی صرفاً با برجسب اتهام کاری از پیش نمی رود، بلکه باید این اتهام را با مدارک سیاسی و یا اسناد دیگری در این زمینه کامل کرد. در کنار آن باید پاسخگوی بسیار اسناد دیگری که اپوزیسیون در مورد تجاوز به زندانیان، شکنجه آنها، نقض حقوق بشر و یا سرکوبها و فساد دستگاه منتشر می کند، بود و نمی توان از کنار آنها با هو و جنجال گذشت. مأمورین رژیم نمی دانند در مورد تصاویر سرکوبها واقعی و یا حتی جعلی که منتشر می شود، چه بگویند. زیرا خودشان واقفند که این سرکوبها وجود دارد و آنوقت دیگر اهمیتی ندارد که درصد ناچیز جعلیات در این زمینه تا به چه حد باشد، چون در اصل قضیه تغییری نمی دهد. آنها نمی توانند مدعی شوند که پاره ای از این تصاویر و یا ویدیوها جعلی است که در آن صورت تأیید کرده اند اکثریت این اسناد واقعی خواهد بود. این مشکل همه رژیمهای استبدادی است. آنها ناچارند سکوت کنند. آنها در مقابل نقض حقوق بشر سکوت می کنند، در مورد خز عیلات رهبران جمهوری اسلامی سکوت می کنند، در مقابل سرکوبها سکوت می کنند و البته در مورد افشای جنایات امپریالیستها و صهیونیستها سینه سپر می نمایند، ولی این کارشان به تنهایی برایشان موفقیت به ارمغان نمی آورد، بلکه به مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی نیز صدمه می زند. بعد از فشارهای تبلیغاتی جهانی لشکر "حزب الله سایبری" در ایران اعلام موجودیت کرد. آنها نه تنها به ضعف خود واقفند، بلکه با این لشکر درهم و برهم و قدره بند نمی توانند بر یورش ایدئولوژیک از بیرون چیره شوند و آن را خنثی نمایند. ولی به علت همان فقدان سیاست ستراتیژیک در این عرصه با شکست کامل روبرو می شوند. با سلاح خرافات کسی نمی تواند به نبرد با استدلال و حقایق و واقعیات پردازد.

بر گرفته از توفان شماره ۱۴۲ دی ماه ۱۳۹۰ ژانویه ۲۰۱۲، ارگان مرکزی حزب کار ایران

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت.

نشانی پست الکترونیکی (ایمیل). toufan@toufan.org